

## واکاوی جایگاه روایی اسماء بنت عمیس در منابع فریقین\*

فهیمة طاهر کوهی\*\* و محمد شریفی\*\*\* و معصومه طاهریان قادی\*\*\*

### چکیده

اسماء بنت عمیس از راویان رسول اکرم ﷺ و امیرالمؤمنین علیؑ است. نام او در کتب رجالی معروف شیعه؛ همچون رجال نجاشی و رجال طوسی و نیز کتب رجالی اهل سنت؛ همچون مسند حنبل، سنن نسائی، موطأ و همچنین سایر منابع روایی معتبر انعکاس یافته است. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی، به واکاوی شرح حال اسماء بنت عمیس می‌پردازد. هم‌چنین تعداد و موضوعات روایاتی که وی با عنوان راوی اصلی در منابع فریقین بوده، مورد بررسی قرار گرفته است و این نتیجه به‌دست آمد که اسماء نزد رجالیان فریقین مدح شده است و روایاتش نیز مورد توجه فریقین بوده است. از وی ۲۳ روایت در حوزه‌های اعتقادی، فقهی، اخلاقی و فضائل حضرت زهراءؑ در منابع شیعی و ۳۳ روایت در حوزه‌های اعتقادی و فقهی در منابع اهل سنت بر جای مانده است. همچنین او دارای ۴ روایت مشترک در منابع فریقین است. بیشترین گستره موضوعات روایات نقل شده از وی، درباره حدیث منزلت، ازدواج حضرت فاطمه(س)، رد الشمس و شهادت جعفر طیار است. از نظر اعتبار نیز روایات مشترک اسماء بالاترین درجه اعتبار را در بین روایات وی داراست؛ اما با توجه به قرائن تاریخی در نقل حضور اسماء در شب زفاف حضرت زهرا(س)، احتمال تصحیف نام اسماء از سلمی وجود دارد.

**کلیدواژه‌ها:** اسماء بنت عمیس، وثاقت اسماء، روایات اسماء، زنان راوی.

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۸ - تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۱۲/۲۴.

\*\* دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه مازندران، (نویسنده مسئول)؛  
(fahimeh.taherkoohi@gmail.com)

\*\*\* دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات دانشگاه یزد؛ (m.sharifi@yazd.ac.ir).

\*\*\* دانش‌آموخته دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات دانشگاه مازندران؛  
(masom.ghadi@yahoo.com).



سنت به عنوان دومین منبع دین، از طریق روایات اخذ می‌گردد. روایات نیز از طریق روات در منابع حدیثی نقل شده است؛ اهمیت راویان نیز به نقش روایتگری آن‌ها برمی‌گردد. در کلام اهل بیت علیهم‌السلام به مقام والای راویان اشاره شده است؛ همانطور که امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

رَجِمَ اللَّهُ عَبْدًا حَبَبْنَا إِلَى النَّاسِ وَ لَا يَبْغِضُنَا إِلَيْهِمْ وَ إِيْمُ اللَّهِ لَوْ يَرُونَ مَحَاسِنَ  
كَلَامِنَا لَكَانُوا أَعَزَّ وَ مَا اسْتَطَاعَ أَحَدٌ أَنْ يَتَلَقَّ عَلَيْهِمْ بِشَيْءٍ؛ خداوند رحمت کند  
بنده‌ای را که ما را محبوب مردم قرار دهد، و ما را مبعوض آنان نگرداند، به خدا  
قسم اگر مردم سخنان خوب ما را برای دیگران نقل کنند عزیزتر خواهند شد، و  
کسی قادر نخواهد بود چیزی به آنان نسبت دهد.<sup>۱</sup>

بنابراین سنجش اعتبار راویان و روایاتی که از ایشان نقل شده است به نوعی اهتمام به مسئله‌ایست که مورد توجه معصومان علیهم‌السلام بوده است. از جمله این راویان، اسماء بنت عمیس است که در منابع روایی عامه و خاصه، روایات منقول وی آمده است.

اسماء بنت عمیس یکی از زنان اصحاب و راوی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امام علی علیه‌السلام می‌باشد. از وی پانزده روایت از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، یک روایت از علی علیه‌السلام، شش روایت از حضرت زهرا علیها‌السلام و یک روایت مضمحل نقل شده است. از اسماء روایات مشترکی نیز در منابع فریقین نقل شده است که عبارتند از احادیث منزلت<sup>۲</sup>، رد الشمس<sup>۳</sup>، در باب شهادت جعفر طیار<sup>۴</sup> و زفاف حضرت زهرا (س)<sup>۵</sup>. از این رو توجه به نقش روایتگری اسماء و روایات رسیده از او اهمیت می‌یابد.

در این پژوهش به جایگاه روایی اسماء در میان رجالیان و محدثان فریقین و اعتبار او از نظر

۱. مشکاة الأنوار، ص ۱۸۰.

۲. ر.ک: معانی الاخبار، ص ۷۴؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۱۷۰ و ج ۳، ص ۳۲، ۳۳۸.

۳. ر.ک: کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۰۳؛ الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۵۲-۵۳ و ج ۲، ص ۴۹۸؛ معجم الكبير، ج ۲۴، ص ۱۴۴، ج ۳۸۲.

۴. ر.ک: المغازی، ج ۲، ص ۷۶۶-۷۶۷؛ معجم الكبير، ج ۲۴، ص ۱۴۳.

۵. ر.ک: كشف الغممة، ج ۱، ص ۳۶۶-۳۶۷؛ معجم الكبير، ج ۲۴، ص ۱۳۶-۱۳۷.

رجالیان عامه و خاصه پرداخته شده است؛ بنابراین منزلت این راوی و صحابی رسول خدا ﷺ و امام علی علیه السلام مشخص می‌گردد. تحقیق حاضر برآنست به واکاوی شخصیت وی و موضوع روایات او به ویژه روایات موجود در منابع شیعه و روایات مشترک وی بپردازد.

این پژوهش در صدد است با عنایت به این مسائل، به سؤالات زیر پاسخ دهد: ۱. جایگاه روایی اسماء بنت عمیس در شیعه و اهل سنت چگونه است؟ ۲. موضوع روایاتی که اسماء بنت عمیس به عنوان راوی آن در منابع شیعه و اهل سنت آمده است چیست؟ ۳. اعتبار روایات رسیده از وی چه میزان است؟

در باره تشریح شخصیت اسماء بنت عمیس پژوهش‌هایی انجام شده که به قرار زیر است:

۱. مقاله‌ای با عنوان «اسماء بنت عمیس (محبوبه مهدویان، ۱۳۸۵) نگاشته شده است که به صورت اجمالی به شرح حال زندگی اسماء، مجاهدت‌های وی و... می‌پردازد.
۲. مقاله «اسماء بنت عمیس؛ مفسر، محدث، راوی و صحابی بزرگ صدر اسلام (رمضان رضایی، ۱۳۹۹) که در شرح حال وی شامل زندگی خانوادگی، ازدواج و... مباحثی مطرح می‌کند.
۳. کتاب «محدثات شیعه (نهله غروی، ۱۳۷۵) که در آن تمام راویان زن گردآوری شده‌اند و به صورت اجمالی شرحی از ویژگی‌های زنان راوی در علم رجال پرداخته است و برخی احادیثی به صورت گزینشی از اسماء نقل کرده است.
۴. کتاب «زنان دانشمند و راوی حدیث (احمد صادقی اردستانی، ۱۳۸۸) که به بررسی راویان زن در دوره‌های مختلف پیامبر صلی الله علیه و آله، امامان و... می‌پردازد و روایات ایشان را بررسی نمی‌کند.
۵. کتاب «سهم زنان در نشر حدیث (مهدی مهریزی، ۱۳۸۹) در این کتاب، به دسته‌بندی انواع نوشته‌های زنان می‌پردازد، همچنین تعداد احادیث زنان در منابع شیعی را بیان می‌کند.
۶. کتاب «روایات زنان در کتب حدیث شیعه (مهدی مهریزی، ۱۳۹۶) تمام روایات از تمام زنان راوی شیعه را به صورت کامل مطرح می‌کند.

لازم به ذکر است هیچ کدام از پژوهش‌ها، به بررسی تعداد و موضوعات روایات اسما بنت عمیس و اعتبارسنجی روایات وی نپرداخته‌اند که این مسئله، پژوهش حاضر را با سایرین متمایز می‌سازد.

### الف. شرح حال اسما بنت عمیس

در منابع اهل سنت از جمله أسد الغابة فی معرفة الصحابه و الإستیعاب فی معرفة الأصحاب نسب اسما این گونه آمده است: اسما بنت عمیس بن معد بن الحارث بن تیم بن کعب بن مالک بن قحافة بن عامر بن ربیعة بن عامر بن معاویة بن زید بن مالک بن بشر بن وهب الله بن شهران بن عفرس بن خلف بن أقیل که همه ایشان از قبیله خثعم می‌باشند<sup>۱</sup> البته درباره نسب او اختلاف وجود دارد برخی برآنند که وی از قبیله انمار یا معد بوده است؛ اما اکثر محققان معتقدند وی از یمن می‌باشد<sup>۲</sup>؛ مادر او، هند بنت عوف بن زهیر بن الحارث بن کنانه و دارای ۹ خواهر بود. یک خواهرش میمونیه همسر پیامبر ﷺ، خواهر دیگر او، ام الفضل (لبابه) همسر عباس و خواهر دیگرش سلمی نام داشت.<sup>۳</sup> خواهر اسما، سلمی با حضرت حمزه که جزء شخصیت‌های شناخته شده قریش و مکه بوده است ازدواج می‌کند؛ بنابراین اسما با حمزه، سیدالشهداء<sup>۴</sup> نسبت قومی پیدا می‌کند و او یکی از گرامی‌ترین اقوام حضرت حمزه به حساب می‌آمد.<sup>۵</sup> با توجه به شرایط محیطی خانواده وی و همچنین کسانی که با خانواده ایشان وصلت کرده‌اند نشان می‌دهد که او در شرایط خانوادگی مناسبی زندگی می‌کرد. در نتیجه اسما بنت عمیس یکی از زنان شناخته شده در مکه و دارای خانواده‌ای بزرگ و از اقوام بزرگان قریش و مکه بود. عظمت ایشان در نسب این بانوی جلیل القدر کاملاً مشهود است.

وی همسر جعفر بن ابی طالب بود و سه فرزند ایشان عبد الله، عون و محمد در حبشه به دنیا آمدند.<sup>۶</sup> زمانی که همسرش، جعفر به شهادت رسید با ابوبکر ازدواج نمود.<sup>۷</sup> قیس بن ابی حازم روایت می‌کند زمانی که ابوبکر بیمار بود به نزد او رفتیم، زنی سفید پوست با دستان خالکوبی دیدم که از وی

۱. إستیعاب، ج ۴، ص ۱۷۸۴؛ أسد الغابة، ج ۶، ص ۱۴.

۲. أسد الغابة، ج ۷، ص ۱۴.

۳. إستیعاب، ج ۴، ص ۱۷۸۴؛ أسد الغابة، ج ۶، ص ۱۵.

۴. أسد الغابة، ج ۷، ص ۱۴.

۵. معجم الكبير، ج ۲۴، ص ۱۳.

۶. سنن الكبرى، ج ۵، ص ۱۰۴.

مراقبت می‌کرد وی اسما بنت عمیس نام داشت<sup>۱</sup> و اسماء از وی پسری به نام محمد به دنیا آورد. همچنین، او پس از فوت ابوبکر با علی بن ابی‌طالب ازدواج نمود که پسری به نام یحیی از او متولد شد<sup>۲</sup> با توجه به آنچه درباره ازدواج وی سخن آمده است او فردی شریف و دارای فضائل بسیاری بوده که با افراد دارای صلاحیت و مشهوری همچون علی بن ابی‌طالب<sup>رضی الله عنه</sup>، جعفر و ابوبکر ازدواج کرده بود.

از فضیلت‌های او همین بس که همراه همسر خویش، جعفر به حبشه و سپس به مدینه مهاجرت نمود.<sup>۳</sup> خداوند در قرآن در ستایش مهاجرین این چنین می‌فرماید:

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ آوَا وَ نَصَرُوا  
 أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَرِيمٌ؛<sup>۴</sup> و آنها که ایمان آوردند و  
 هجرت نمودند و در راه خدا جهاد کردند، و آنها که پناه دادند و یاری نمودند،  
 آنان مؤمنان حقیقی‌اند؛ برای آنها، آمرزش (و رحمت خدا) و روزی شایسته‌ای  
 است.

در این آیه کسانی که هجرت نمودند، مؤمنان حقیقی معرفی شده‌اند.

زمانی که اسماء به حبشه مهاجرت کرد عمر به منظور تفاخر بر خویش به او گفت: ما، در هجرت بر شما پیشی گرفتیم. اسماء از این سخن ناراحت شد، اما حرف او را تصدیق نمود و فرمود: به جان خودم قسم که شما در خدمت رسول خدا بودید، گرسنه‌های شما را سیر می‌کرد و به کسانی که علم نداشتند علم آموخت؛ ما در آن زمان، از وطنمان دور بودیم. اسماء این مسئله را به پیامبر بازگو کرد. پیامبر<sup>صلی الله علیه و آله</sup> فرمودند:

ليس بأحقّ بي منكم، و له و لأصحابه هجرة واحدة، و لكم أنتم يا أهل  
 السفينة هجرتان.

(او بیش از شما بر من حق ندارد، او و یارانش یک هجرت دارند و شما ای اهل نجات دو هجرت

۱. معجم الكبير، ج ۲۴، ص ۱۳۱.

۲. إستيعاب، ج ۴، ص ۱۷۸۵؛ أسد الغابة، ج ۶، ص ۱۵.

۳. إستيعاب، ج ۴، ص ۱۷۸۵؛ اعلام النساء المؤمنات، ص ۱۳۷.

۴. انفال: ۷۴.

دارید)

این حدیث به این معناست که فضیلت او به خاطر دوبار هجرت کردن بیشتر از دیگرانی است که فقط به مدینه و یکبار مهاجرت کردند.<sup>۱</sup>

در رجال کشی دربارهٔ نجابت فرزند او، محمد بن ابی بکر این گونه آمده است؛ عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که نزد امیرالمؤمنین علیه السلام پنج نفر از قریش بودند و سیزده قبیله با معاویه بودند، نفر پنجم محمد بن ابی بکر بود که خداوند او را رحمت کند نجابتش از مادرش اسماء بنت عمیس به او رسیده است. امام صادق علیه السلام دربارهٔ او می فرماید:

محمد بن ابی بکر رحمة الله عليه أتمه النجابة من قبل أمه أسماء بنت عمیس<sup>۲</sup>

در کتاب الإصابة فی تمییز الصحابة بیان می کند محمد بن ابی بکر به دلیل نجابت مادرش، اسماء رستگار شد و در نهایت نیز به درجهٔ شهادت نائل آمد.<sup>۳</sup> این مطلب می رساند که میزان تأثیرگزاری مادر به فرزند به گونه ای است که می تواند او را از اخلاقیات و درجات بالا همچون نجابت بهره مند سازد و زمینهٔ شهادت وی را مهیا کند و اسما زمینه ساز رستگاری فرزند خویش را فراهم آورد. دربارهٔ رستگار شدن اسماء بنت عمیس در خصال ابن بابویه از امام باقر علیه السلام نقل شده است که می فرماید:

حدثنا أبي رضى الله عنه قال حدثنا سعد بن عبدالله عن أحمد بن محمد بن عيسى عن أحمد بن محمد بن أبي نصر البرنظي عن عاصم بن حميد عن أبي بصير عن أبي جعفر قال «رَحِمَ اللَّهُ الْأَخْوَاتِ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَسَمَاهُنَّ أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَيْسِ الْخَنْعَمِيَّةِ وَكَانَتْ تَحْتَ جَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَ وَ سَلْمَى بِنْتُ عُمَيْسِ الْخَنْعَمِيَّةِ وَكَانَتْ تَحْتَ حَمْرَةَ وَ حَمْسٍ مِنْ بَنِي هِلَالٍ مَيْمُونَةَ بِنْتُ الْحَارِثِ كَانَتْ تَحْتَ النَّبِيِّ صَ وَ أُمِّ الْفَضْلِ عِنْدَ

۱. طبقات الكبرى، ج ۸، ص ۲۱۹؛ صفة الصفوة، ج ۲، ص ۴۳؛ الاصابة، ج ۸، ص ۱۶.

۲. اختيار معرفة الرجال، ص ۶۳ و رجال الطوسي، ص ۵۸.

۳. الإصابة، ج ۶، ص ۱۹۴.

الْعَبَّاسِ اسْمُهَا هِنْدٌ وَ الْغَمِيصَاءُ أُمُّ خَالِدِ بْنِ الْوَلِيدِ وَ عَزَّةٌ كَانَتْ فِي ثَقِيفٍ  
عِنْدَ الْحَجَّاجِ بْنِ غَلَاظٍ [عِلَاطٍ] وَ حَمِيدَةٌ وَ لَمْ يَكُنْ لَهَا عَقِبٌ.<sup>۱</sup>

خداوند رحمت کند خواهران بهشتی را، پس از آنان چنین نام برد: اسماء دختر عمیس خثعمی که همسر جعفر بن ابی طالب بود، و سلمی دختر عمیس خثعمی که همسر حمزه بود، و پنج تن از قبیله بنی هلال: میمونه دختر حارث که همسر پیامبر بود، و ام الفضل که نزد عباس بود و هند نام داشت، و غمیصاء مادر خالد بن ولید، و عزت که از قبیله ثقیف و نزد حجاج بن غلاظ بود، و حمیده که پس از خود نسلی نداشت.<sup>۲</sup>

اگرچه در مورد چگونگی مکان و زمان صدور این حدیث مطلبی در شروح خصال و سایر منابع یافت نشد؛ اما صحت سندی این روایت بر اطمینان آن می‌افزاید؛ علاوه بر آن، ام‌حتوای روایت با شواهد تاریخی تأیید می‌گردد؛ زیرا أسماء از پیشتازان در اسلام بود، در هجرت با همسرش همراهی نمود و همراه حضرت فاطمه علیها السلام بوده است.

در منابع اهل سنت نیز از چهار خواهر به عنوان زنان مومن یاد شده است که عبارتند از: ام الفضل همسر عباس \_ عموی پیامبر صلی الله علیه و آله؛ میمونه همسر حضرت رسول صلی الله علیه و آله؛ اسماء همسر جعفر (طیار)؛ و سلمی همسر حمزه \_ عموی پیامبر صلی الله علیه و آله:

حدثني أبو عمر أحمد بن محمد بن أحمد قال حدثنا أحمد بن الفضل  
ابن العباس الدينوري حدثنا محمد بن أحمد بن منير بمصر قال حدثنا  
يوسف بن يزيد القراطيسي قال حدثنا سعيد بن منصور قال حدثنا عبد  
العزیز بن محمد عن إبراهيم بن عقبة عن كريب عن ابن عباس أن رسول  
الله صلى الله عليه وسلم قال الأخوات المؤمنات ميمونة بنت الحارث  
وأم الفضل سلمى وأسماء وقال فيه الزبير عن إبراهيم بن حمزة عن  
الدراوردي بإسناده الأخوات الأربع مؤمنات ميمونة وأم الفضل وسلمى

۱. خصال، ج ۲، ص ۳۶۳.

۲. همان، ص ۴۱.

## وَأَسْمَاءُ<sup>۱</sup>

اهل بیت علیهم السلام درباره اسماء به رستگاری نظر داده‌اند و همچنین او را از مؤمنین دانسته‌اند و این، نشان از جایگاه والای وی نزد معصومان علیهم السلام دارد. همچنین رستگاری و عاقبت بخیری وی در دنیا و آخرت را می‌رساند. نکته حائز اهمیت دیگر آنست که اسماء برای اهل بیت علیهم السلام از چنان جایگاه والایی برخوردار بود که اهل بیت علیهم السلام درباره عاقبت بخیری و ایمان او خبر داده‌اند و او را مقبول معرفی فرمودند.

### ب. جایگاه رجالی اسماء بنت عمیس

در این بخش به جایگاه رجالی اسماء بنت عمیس به عنوان راوی پرداخته می‌شود، و شخصیت، هویت و اوصاف مدح و ذمی که به او نسبت داده‌اند، مورد بازبینی قرار می‌گیرد. اسماء از اصحاب و راویان پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام شمرده شده است،<sup>۲</sup> وی دارای روایات بسیار بوده است.<sup>۳</sup> نوع ارتباط اسماء با پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندانش به گونه‌ای بود که خود پیامبر صلی الله علیه و آله به خانه اسماء آمد و خیر شهادت جعفر، همسرش را به او داد. در منابع مذکور این گونه آمده است که اسماء در آن زمان در حال دباغی کردن چهل پوست بود، سپس صورت بچه‌ها را شست و نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و پیامبر صلی الله علیه و آله درباره نحوه عزاداری جعفر به اسماء نکاتی را بیان فرمود:

... فَأَتَانِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ لَقَدْ هَمَّتْ. يَعْنِي دَبَعْتُ.  
أُرْبَعِينَ إِهَابًا مِنْ أَدَمٍ وَ عَجَنْتُ عَجِينِي وَ أَخَذْتُ بِنِي فَعَسَلْتُ وَ جُوهَهُمْ وَ  
دَهَنْتُهُمْ. فَدَخَلَ عَلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ فَقَالَ: يَا أَسْمَاءُ أَيْنَ بَنُو جَعْفَرٍ؟ فَحِثُّ  
بِهِمْ إِلَيْهِ فَصَمَّهُمْ وَ سَمَّهُمْ ثُمَّ دَرَفْتُ عَيْنَاهُ فَبَكَى فَقُلْتُ: أَيُّ رَسُولِ اللَّهِ لَعَلَّهُ  
بَلَغَكَ عَنْ جَعْفَرٍ شَيْءٌ. قَالَ: نَعَمْ قُتِلَ الْيَوْمَ. قَالَتْ: فَكُفْتُ أَصِيحُ

۱. الإستيعاب، ج ۴، ص ۱۸۶۱ و ۱۹۰۹؛ از بین این خواهران، اسماء و سلمی بنت عمیس از

طرف مادری خواهر ام الفضل هستند.

۲. رجال طوسی، ص ۶۴، ۶۳؛ اختیار معرفة الرجال کشی، ص ۶۳.

۳. موطأ الإمام مالك، ج ۶، ص ۱۲۲.



فَاجْتَمَعَ إِلَى النَّسَاءِ. قَالَتْ: فَجَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ يَقُولُ: يَا أَسْمَاءُ لَا تَقُولِي  
هَجْرًا وَلَا تَضْرِبِي صَدْرًا...<sup>۱</sup>

نحوه ابلاغ پیام شهادت جعفر و توصیه‌های حضرت رسول ﷺ در نحوه عزاداری و آداب آن، حکایت از آن دارد که جعفر و به تبعیت از وی همسرش، اسماء، از افراد مورد توجه پیامبر ﷺ بودند.

قربان اسماء با حضرت فاطمه علیها السلام نیز کاملاً مشهود است؛ زیرا در برخی روایات نقل شده است که اسماء تنها زنی بود که در شب زفاف حضرت فاطمه علیها السلام در کنار حضرت علیها السلام حضور داشت. در شب زفاف حضرت زهرا علیها السلام پیامبر به خروج زنان امر فرمود. زنان به جز اسماء بنت عمیس به سرعت رفتند. پیامبر ﷺ علت عدم توجه به امر خروج را از اسماء جویا می‌شود او چنین نقل می‌کند که هنگام وفات حضرت خدیجه حاضر بودم که لحظه احتضار گریه می‌کرد و از اینکه در شب زفاف حضرت زهرا علیها السلام کسی همدم و کمک‌رسان او نیست تا نیازهایش را برآورده کند بسیار ناراحت بود و من در آن زمان متولی امور حضرت فاطمه علیها السلام شدم که به جای حضرت خدیجه علیها السلام در کنار او باشم. بعد شنیدن این حرف، پیامبر گریه کرد و فرمود از خدا می‌خواهم تو را از بالا و پایین و روبرو و پشت سر و چپ و راست از شیطان رانده شده حفظ کند.<sup>۲</sup> این روایت تصریح می‌کند اسماء در شب زفاف حضرت زهرا بوده است. این مسائل حاکی از آن است که اسماء بنت عمیس ارتباط نزدیکی با خاندان عصمت داشته است و در طول دوران زندگی خویش توانسته از بیانات این خاندان بهره‌بردار و روایاتی از ایشان به یادگار بگذارد. همچنین اعتماد حضرت خدیجه علیها السلام برای سپردن دخترش به وی و آسوده خاطر گشتن او نشان از اعتماد بالای اسماء نزد اهل بیت علیهم السلام است.

درباره حضور اسماء بنت عمیس در شب زفاف اختلاف نظر وجود دارد، برخی بر این باورند که بین اسماء بنت یزید انصاری و اسماء بنت عمیس اشتباه شده است چرا که ازدواج حضرت

۱. طبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۲۰.

۲. اعلام النساء المؤمنات، ص ۱۴۰.

فاطمه علیها السلام در سال ۲ یا ۳ ه. ق بوده و اسماء بنت عمیس تا زمان فتح خیبر که سال ۷ ق می باشد، در حبشه بوده است. البته برخی دیگر بر این باورند که خواهر وی سلمی بنت عمیس که همسر حمزه پسر عبدالمطلب است، در شب زفاف حضور داشته است و به دلیل شهرت اسماء یا سهوی این جا به جایی در اسامی نمایان گشته است.<sup>۱</sup> و فرض دیگری که می توان مطرح کرد این است که اسماء و همسر وی به مدینه رفت و آمد داشتند و در آن زمان، در مدینه حضور داشتند.

به نظر می رسد اسماء جز پیشتازان در اسلام خواهی بوده و از همان اوایل اسلام را پذیرفته است. با توجه به آیه «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ \* أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» (واقعه، ۱۰ و ۱۱) او که در زمره سابقون مطرح شده در درگاه خداوند دارای قرب و منزلت خاصی است. وی برخلاف سایر اصحاب پیامبر که در زمان های مشخص نزد اهل بیت علیهم السلام بودند؛ در خانه اهل بیت علیهم السلام می زیسته و با ایشان حشر و نشر داشته است. بنابراین به احتمال زیاد، اندیشه، باور و فهمش از دین بسیار تحت تأثیر تعالیم معصومان علیهم السلام بوده است. بنابراین روایاتش از اهل بیت علیهم السلام قابل توجه و قابل تأمل است، گرچه باید طرق روایات او در رجال بررسی شود.

در جدول زیر جهت نظم دهی، نظرات مختلف رجالیان شیعه و اهل سنت به صورت نموداری آمده تا توجه والای رجالیان به شخصیت رجالی اسماء بنت عمیس بیشتر نمایان شود.

جدول (۱): نظر رجالیان شیعه و اهل سنت درباره شخصیت اسماء بنت عمیس

کتاب	نویسنده	رأی رجالی
اختیار معرفة الرجال	کشی	۱. او از اصحاب و راویان پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> و امام علی <small>علیه السلام</small> است. ۲. نجابت فرزندش به دلیل مادرش، اسماء است (کشی، محمد بن عمر، ۱۴۰۴ ق، جزء اول، ص ۶۳، ش ۱۱۱ و ۱۱۳)
رجال الطوسی	طوسی	۱. او از اصحاب و راویان پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> و امام علی <small>علیه السلام</small> است. ۲. نجابت فرزندش به دلیل مادرش است (طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۷۳ ش، باب النساء، ص ۶۳ و ۶۴، ش ۳۸-۴۶۸)

۱. کشف الغمة، ج ۱، ص ۳۷۲ و ۳۷۳.

الإصابة في تمییز الصحابة	ابن حجر عسقلانی	نجابت و رستگاری (شهادت) فرزندش به دلیل مادرش، اسما است (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص ۱۹۴)
الإستیعاب فی معرفة الأصحاب	ابن عبد البر	مهاجرت اسما به حبشه و مدینه از فضائل اوست (ابن عبد البر، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۷۸۵، ح ۳۲۳۰)
الطبقات الكبرى	ابن سعد	پیامبر ﷺ با اسما بنت عمیس ارتباط نزدیک داشت (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۲۲۰)

اگرچه در منابع رجالی اطلاعات کمی در مورد اسما بنت عمیس موجود است؛ اما اطلاعات موجود، حکایت از نقش روایتگری اسما از حضرت رسول ﷺ و امام علی ﷺ در منابع شیعی و سنی دارد. به صورت ضمنی به جلالت قدر او نیز در ذیل شهادت فرزندش ابوبکر اشاره می‌شود. حضور او در مهاجرت اولیه‌ی مسلمانان به حبشه نیز فضیلتی برای وی محسوب می‌گردد و در نهایت بر ارتباط نزدیک اسما با پیامبر ﷺ تصریح می‌گردد.

### ج. روایات اسما بنت عمیس

#### ۱. در منابع شیعه

تعداد روایات اسما در منابع شیعه به بیست و سه روایت در یازده موضوع می‌رسد. موضوع روایات وی درباره‌ی وصیت فاطمه ﷺ در غسل دادن او<sup>۱</sup>، ساختن تابوت برای حضرت فاطمه (س)<sup>۲</sup>، غسل حضرت فاطمه (س)<sup>۳</sup>، طهارت حضرت فاطمه ﷺ از نفاس<sup>۴</sup>، ولادت حسنین<sup>۵</sup>، آداب نوزاد (اذان،

۱. کشف الغمه، ج ۱، ص ۵۰۰؛ مناقب آل ابی طالب ﷺ، ج ۳، ص ۳۶۴.

۲. کشف الغمه، ج ۱، ص ۵۰۳-۵۰۴؛ و نیز ر.ک: شرح الاخبار فی فضائل ائمة الاطهار، ج ۳، ص ۲۸.

۳. کشف الغمه، ج ۱، ص ۵۰۰؛ مناقب آل ابی طالب ﷺ، ج ۳، ص ۳۶۴.

۴. دلائل الامامة، ص ۱۴۶ و ۱۴۸؛ کشف الغمه، ج ۱، ص ۴۶۳.

۵. خصال، ج ۲، ص ۲۵.

اقامه و عقیقه)<sup>۱</sup>، شهادت جعفر طیار و پرهیز از لغو در عزا<sup>۲</sup>، حدیث منزلت<sup>۳</sup>، علی وزیر رسول خدا ﷺ<sup>۴</sup>، رد شمس<sup>۵</sup>، اذن خواستن ابوبکر برای طلب رضایت از فاطمه علیها السلام<sup>۶</sup> می‌باشد.

روایات وی حول محور مباحث فقهی، اعتقادی و شأن شخص خاص در روایت است. حدود چهار روایت درباره حضرت فاطمه علیها السلام شامل وصیت او، ساختن تابوت و غسل دادن وی و طهارت حضرت فاطمه علیها السلام از نفاس است. تنها کسی که به جز حضرت علی علیه السلام در مراسم غسل دادن حضرت فاطمه علیها السلام حضور داشت اسماء بود و این مسئله نشان از نزدیکی حضرت با اسماء را می‌رساند.<sup>۷</sup> یک روایت نیز اذن خواستن ابوبکر برای طلب رضایت از فاطمه علیها السلام پس از وقوع حادثه سقیفه (تعیین رهبر برای مردم پس از پیامبر ﷺ) است که اسماء آن را نقل می‌کند.

دو روایت ولادت حسنین و شهادت جعفر طیار و پرهیز از لغو در عزا نیز اخلاقی است. اولی درباره آداب نوزاد هنگام به دنیا آمدن را ذیل به دنیا آمدن حسنین از پیامبر ﷺ نقل می‌کند. دومی نیز درباره شهادت جعفر و نحوه عزاداری برای وی را بیان می‌کند درباره اینکه زیاد گریه نکنند، خودشان را نزنند و.... حدیث منزلت، حدیث مشهوری است که درباره جانشینی حضرت علی علیه السلام می‌باشد و وزیر بودن حضرت علی علیه السلام؛ درخواست پیامبر از خداوند است که برای من وزیری قرار بده همانند هارون علیه السلام برای موسی علیه السلام. رد شمس نیز روایتی درباره طلوع دوباره غروب بود تا حضرت علی علیه السلام نماز خود را بخواند.

## ۲. در منابع اهل سنت

تعداد روایات اهل سنت از اسماء در مسند ابن حنبل و معجم الکبیر طبرانی که به عنوان راوی

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۵-۲۶.

۲. المغازی، ج ۲، ص ۷۶۶-۷۶۷.

۳. بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۲۶۳.

۴. شرح الاخبار فی فضائل ائمة الاطهار علیهم السلام، ج ۱، ص ۱۹۱؛ کنز الفوائد، ج ۱، ص ۲۹۶؛ تفسیر فرات کوفی، ص ۲۵۶.

۵. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۳۹.

۶. بحار الأنوار، ج ۲۹، ص ۱۵۸؛ به نقل از مصباح الانوار، ص ۲۵۵.

۷. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۶۴.

بوده است به ۳۳ روایت بدون تکرار می‌رسد. اما در صحیح مسلم تنها نام اسماء آمده است و روایتی از وی نقل نشده است.<sup>۱</sup> او در منابع اهل سنت صرفاً از پیامبر ﷺ نقل می‌کند و چه در شیعه چه در اهل سنت او به عنوان راوی بوده و در هیچ کجا در میانه سلسله سند نیامده است. موضوعات روایات وی بیشتر حول محور شأن شخص خاصی است. مانند شهادت جعفر رضی الله عنه، زفاف حضرت فاطمه رضی الله عنها، می‌باشد. در حوزه فقهی سفارش غسل ولادت محمد بن ابوبکر به اسماء؛<sup>۲</sup> در حوزه اعتقادی، حدیث منزلت از وی نقل شده است که مربوط به امام علی رضی الله عنه است. از خاصیت دارویی سنا<sup>۳</sup> و شریک قرار ندادن برای خدا<sup>۴</sup> نیز از دیگر موضوعات روایات او می‌باشد.

۲۲۳

## ۵. بررسی روایات رسیده از اسماء بنت عمیس

منبع‌یابی روایات و مقایسه محتوای آن‌ها با هم و با سایر روایات هم مضمون یا مخالف، یکی از روش‌های اعتبارسنجی روایات است. از این‌رو در هریک از موضوعات رسیده از اسماء، منابع متقدمی که به ذکر آن روایات پرداخته شده است، مورد بازبینی و مقایسه قرار گرفتند.

### ۱. روایت وصیت حضرت زهرا رضی الله عنها در غسل ایشان توسط اسماء

روایاتی مرسل از اسماء در مورد وصیت حضرت زهرا رضی الله عنها بر غسل ایشان توسط علی رضی الله عنه و اسماء رسیده است:

وَعَنْ أَسْمَاءَ بِنْتِ عُمَيْسٍ قَالَتْ أَوْصَيْتَنِي فَاطِمَةُ عَ أَنْ لَا يَغْسَلَهَا إِذَا مَاتَتْ إِلَّا أَنَا وَ عَلِيٌّ فَغَسَلْتُهَا أَنَا وَ عَلِيٌّ.<sup>۵</sup>

این روایت در منابع متقدم‌تر با عنوان کمک اسماء به علی رضی الله عنه در غسل زهرا رضی الله عنها یاد می‌شود:

۱. صحیح مسلم، ج ۵، ص ۳۵۱.

۲. «مُرَّهَا فَلْتَغْتَسِلُ ثُمَّ لِيُثَلِّ» (مسند أحمد بن حنبل، ج ۴۵، ح ۲۷۰۸۴، ص ۲۲).

۳. «لَوْ كَانَ شَيْءٌ يَشْفِي مِنَ الْمَوْتِ كَانَ السَّنَا، أَوِ السَّنَا شِفَاءً مِنَ الْمَوْتِ» (مسند أحمد بن حنبل، ج ۴۵، ح ۲۷۰۸۰، ص ۱۳).

۴. «اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا» (مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۴۵، ح ۲۷۰۸۲، ص ۱۶ و ۱۵؛ معجم الكبير، ج ۲۴، ص ۱۵۴، ح ۳۹۶).

۵. كشف الغم، ج ۱، ص ۵۰۰.

و روی: أنه أعانه على غسلها أسماء بنت عميس...»<sup>۱</sup> و «و قَالَتْ أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَيْسٍ أَوْصَتْ إِلَى فَاطِمَةَ أَلَّا يَغْسَلَهَا إِذَا مَاتَتْ إِلَّا أَنَا وَ عَلِيٌّ فَأَعَنْتُ عَلِيًّا عَلَيَّ غُسْلَهَا»<sup>۲</sup> و «كِتَابِ الْبَلَاذِرِيِّ إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَ غَسَلَهَا مِنْ مَعْقِدِ الْإِزَارِ وَ إِنَّ أَسْمَاءَ بِنْتَ عُمَيْسٍ غَسَلَتْهَا مِنْ أَسْفَلِ ذَلِكَ»<sup>۳</sup>.

البته در روایتی دیگر، حسنین علیهم السلام کمک کننده غسل معرفی می‌شوند، این روایت نیز از اسما به صورت مرسل نقل شده است که حضرت امیر علیه السلام اسما را امر به غسل دادن می‌کند: «قَالَ فَأَمَرَ أَسْمَاءَ فَعَسَلَتْهَا وَ أَمَرَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ عَ بِدَخْلَانِ الْمَاءِ وَ دَفَنَهَا لَيْلًا وَ سَوَى قَبْرِهَا...»<sup>۴</sup> که به نوعی برای حضرت علی علیه السلام در غسل حضرت زهرا علیها السلام قائل نیست و با روایات فوق تعارض دارند. این روایت را با توجه به روایات زیر نمی‌توان پذیرفت.

۱. وجود روایتی از حضرت علی علیه السلام در منابع متقدم‌تر که حضور اسما را در این واقعه به عنوان کمک کننده تأیید می‌کند: «وَ عَنْ عَلِيٍّ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: أَوْصَتْ إِلَيَّ فَاطِمَةُ علیها السلام أَنْ لَا يَغْسَلَهَا غَيْرِي وَ سَكَبَتْ عَلَيَّ الْمَاءَ أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَيْسٍ»<sup>۵</sup>.
۲. آنچه با عقائد شیعه سازگارتر است، غسل معصوم به وسیله معصوم دیگر است که در روایاتی در کتب اربعه شیعه بر آن تصریح شده است و آن را دلیلی بر غسل حضرت زهرا علیها السلام توسط حضرت علی علیه السلام عنوان می‌کند: اولی روایت مرسلی در کتاب من لایحضره الفقیه است: «وَ سُئِلَ الصَّادِقُ علیه السلام - عَنْ فَاطِمَةَ عَ مَنْ غَسَلَهَا فَقَالَ غَسَلَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام لِأَنَّهَا كَانَتْ صِدِّيقَةً لَمْ يَكُنْ لِيَغْسَلَهَا إِلَّا صِدِّيقٌ»<sup>۶</sup> و دیگری روایت مسندی در کتاب کافی است که بر این مسئله تصریح شده و غسل

۱. إعلام الوری، ج ۱، ص ۳۰۰.

۲. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۳، ص ۳۶۴.

۳. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۳، ص ۳۶۴.

۴. کشف الغمه، ج ۱، ص ۵۰۰.

۵. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۲۸.

۶. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۴۲.

دهنده را علی علیه السلام معرفی می‌کند: «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَنْ غَسَلَ فَاطِمَةَ عليها السلام قَالَ ذَلِكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام كَأَنَّكَ اسْتَفْظَعْتَ ذَلِكَ مِنْ قَوْلِهِ فَقَالَ لِي كَأَنَّكَ ضَمْتَهُ مِمَّا أَخْبَرْتَنِي فَقُلْتُ قَدْ كَانَ ذَلِكَ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَقَالَ لِي لَا تَضَيِّقَنَّ فَإِنَّهَا صِدِّيقَةٌ لَمْ يَكُنْ يَغْسِلُهَا إِلَّا صِدِّيقٌ...»<sup>۱</sup>.

البته این امر با حضور أسماء در غسل حضرت زهرا علیها السلام منافاتی ندارد همان‌گونه که در برخی روایات در کنار حضرت علی علیه السلام به حضور أسماء به عنوان یاری‌کننده در غسل تصریح شده بود، که ذکر گردید. البته برخی حضور أسماء را با شواهد تاریخی نپذیرفته و روایات أسما را بر ساخته‌ی قصه پردازان و افسانه‌گویان دانسته‌اند. زیرا در زمان وفات حضرت زهرا علیها السلام أسماء بنت عمیس، همسر ابوبکر بود و فرزند شیرخواره‌ای به نام محمد بن ابی‌بکر داشت، با این وجود نمی‌توانست خادم خانه حضرت زهرا علیها السلام باشد و در بیماری حضرت در شب و روز در کنار حضرت باشد. از طرفی ابوبکر اجازه این کار را به أسماء نمی‌داد و از طرفی دیگر حضرت علی علیه السلام در تغسیل و تدفین مخفیانه، از زنی نامحرم کمک نمی‌خواست. علاوه بر آن که این امر با اصل مخفیانه بودن تدفین حضرت نیز همخوانی ندارد. به نظر می‌رسد.<sup>۲</sup>

## ۲. روایت آداب نوزاد

لَمَّا حَمَلْتُ بِالْحَسَنِ عَ وَوَلَدْتُهُ جَاءَ النَّبِيُّ ص - فَقَالَ يَا أَسْمَاءُ هَلُمَّ ابْنِي فَدَفَعْتُهُ إِلَيْهِ فِي خِرْقَةٍ صَفْرَاءَ فَرَمَى بِهَا النَّبِيُّ ص - وَ أَدَنَ فِي أُذُنِهِ الْيَمْنَى وَ أَقَامَ فِي أُذُنِهِ الْيُسْرَى ثُمَّ قَالَ لِعَلِيٍّ ع يَا أَيُّ شَيْءٍ سَمَّيْتَ ابْنِي قَالَ مَا كُنْتُ أَسْبِقُكَ بِاسْمِهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ ... فَسَمَّاهُ الْحَسَنَ فَلَمَّا كَانَ يَوْمَ سَابِعِهِ عَقَّ

۲۳۵

حزین

واکاچواری اسماء بنت عمیس در منابع فریقین

۱. کافی، ج ۳، ص ۱۵۹.

۲. بحار الانوار، پاورقی، ج ۷۸، ص ۲۵۰-۲۵۱.

النَّبِيِّ صَ عَنْهُ يَكْبَشِينَ أَمْلَحِينَ وَ أَعْطَى الْقَابِلَةَ فَخِذًا وَ دِينَارًا ثُمَّ حَلَقَ  
رَأْسَهُ وَ تَصَدَّقَ بِوِزْنِ الشَّعْرِ وَرِقًا وَ طَلَى رَأْسَهُ بِالْحُلُوقِ...<sup>۱</sup>

با سه سند زیر توسط شیخ صدوق نقل شده است:

۱. حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الشَّامِ الْفَقِيهُ الْمَرْزُوقِيُّ بِمَرْزُوقٍ

فِي دَارِهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ النَّيسَابُورِيُّ قَالَ

حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَامِرِ بْنِ سَلِيمَانَ الطَّلَائِيَّ

بِالْبَصْرَةِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي فِي سَنَةِ سِتِّينَ وَ مِائَتَيْنِ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ

مُوسَى الرَّضَاعِ سَنَةَ أَرْبَعٍ وَ تِسْعِينَ وَ مِائَةٍ.

۲. «و حَدَّثَنَا أَبُو مَنْصُورٍ أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ بَكْرِ الْخُورِيِّ بِنَيْسَابُورٍ قَالَ

حَدَّثَنَا أَبُو إِسْحَاقَ إِبْرَاهِيمَ بْنُ هَارُونَ بْنِ مُحَمَّدِ الْخُورِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا

جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادِ الْفَقِيهِ الْخُورِيِّ بِنَيْسَابُورٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ

عَبْدِ اللَّهِ الْهَرَوِيِّ الشَّيْبَانِيَّ عَنِ الرَّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ.

۳. وَ حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ الْأُسْتَنْبَانِيِّ الرَّازِي الْعَدْلُ بِبَلْخِ

قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَهْرُويهِ الْقَزْوِينِيَّ عَنِ دَاوُدَ بْنِ سَلِيمَانَ

الْفَرَّاءِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَاعِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ

قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ قَالَ

حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع قَالَ حَدَّثَنِي [حَدَّثَنِي] أَسْمَاءُ بِنْتُ

عُمَيْسٍ قَالَتْ حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ.<sup>۲</sup>

هر سه روایت سند ضعیفی دارند؛ زیرا مشایخ شیخ صدوق در سند اول و سوم ناشناس اند، از

روایات موجود در سند دوم نیز مدح یا توثیقی در کتب رجال ذکر نشده است. اگرچه هر سه روایت، سند

ضعیفی دارند؛ اما به نظر می‌رسد به دلیل غیر فقهی بودن روایت مذکور، نقلشان قابل اعتنا باشد.

شیخ طوسی نیز با سند زیر روایتی در این موضوع از أسماء نقل می‌کند:

۱. عیون اخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَامُ، ج ۲، ص ۲۵-۲۶.

۲. عیون اخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَامُ، ج ۲، ص ۲۴-۲۵.



أَخْبَرَنَا أَبُو الْفَتْحِ هِلَالُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَفَّارِ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو الْقَاسِمِ إِسْمَاعِيلُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ عَلِيٍّ الدَّعْبَلِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ رَزِينَ بْنِ عُثْمَانَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُدَيْلِ بْنِ وَرْقَاءَ أَخُو دُعَيْلِ بْنِ عَلِيٍّ الْخُزَاعِيِّ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) بِبَعْدَادَ سَنَةَ اثْنَتَيْنِ وَ سَبْعِينَ وَ مِائَتَيْنِ، قَالَ: قَالَ: حَدَّثَنَا سَيِّدِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا بِطُوسَ سَنَةَ ثَمَانٍ وَ تِسْعِينَ وَ مِائَةَ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنِي أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَيْسِ الْخَثْعَمِيَّةُ، قَالَتْ: قِيلَتْ جَدَّتْكَ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله.<sup>۱</sup>

۲۳۷



واکچوای اسماء بنت عمیس در منابع فریقین

سند شیخ طوسی به دلیل وجود اسماعیل بن علی بن علی الدعبلی ضعیف است؛ زیرا از این فرد در رجال نجاشی و فهرست طوسی با دو وصف «تخلیط» و «يعرف و ينكر» یاد شده است.<sup>۲</sup> هم چنین ابن الغضائری وی را کذاب و جاعل حدیث می داند و روایاتش از پدرش از امام رضا علیه السلام را قابل اعتنا نمی داند.<sup>۳</sup>

ابن شهر آشوب نیز مضمون روایت مذکور را با سند زیر نقل می کند:

الْوَاعِظُ فِي شَرَفِ النَّبِيِّ وَ السَّمْعَانِي فِي فَضَائِلِ الصَّحَابَةِ وَ جَمَاعَةِ مِنْ أَصْحَابِنَا فِي كُتُبِهِمْ عَنْ هَانِي بْنِ هَانِي عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ عَنْ أَسْمَاءِ بِنْتِ عُمَيْسٍ وَ اللَّفْظُ لَهَا قَالَتْ لَمَّا وَلَدَتْ فَاطِمَةَ الْحَسَنَ جَاءَنِي النَّبِيُّ ص فَقَالَ يَا أَسْمَاءُ هَاتِي ابْنِي فَدَفَعْتُهُ.<sup>۴</sup>

متن روایات یاد شده، درباره آداب نوزاد در حین تولد از اذان و اقامه در گوش و تراشیدن موی سر نوزاد و هم وزن آن صدقه دادن و عقیقه کردن و پرهیز از برخی آداب جاهلی سخن می گوید. محتوای این روایت از اسماء با روایات صحیح السندی که در کتاب کافی در باب «أن رسول الله ص و

۱. امالی شیخ طوسی، ص ۳۶۱ و ۳۶۷.

۲. رجال نجاشی، ص ۳۳؛ فهرست طوسی، ص ۳۲-۳۳.

۳. رجال ابن الغضائری، ج ۱، ص ۴۲-۴۳.

۴. مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۲۵.

فاطمه ع عفا عن الحسن و الحسين ع<sup>۱</sup> آمده است تأیید می‌گردد. البته در آن روایات از حضور اسماء یاد نشده است.

### ۳. روایت اذن خواستن ابوبکر برای طلب رضایت از فاطمه(س)

روایت مرسلی از اسماء با این مضمون نقل شده است:

طَلَبَ إِلَيَّ أَبُو بَكْرٍ أَنْ أَسْتَأْذِنَ لَهُ عَلَى فَاطِمَةَ يَتَرَضَّاهَا، فَسَأَلْتُهَا ذَلِكَ، فَأَذِنَتْ لَهُ، فَلَمَّا دَخَلَ وَلَّتْ وَجْهَهَا الْكَرِيمَ إِلَى الْحَائِطِ، فَدَخَلَ وَ سَلَّمَ عَلَيْهَا، فَلَمْ تَرُدَّ، ثُمَّ أَقْبَلَ يَعْتَذِرُ إِلَيْهَا وَيَقُولُ: ارْضَى عَنِّي يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ. فَقَالَتْ: يَا عَتِيقُ! أَتَيْتَنَا مِنْ مَاتٍ [مَاتَةٌ] أَوْ حَمَلَتْ النَّاسَ عَلَى رِقَابِنَا، اخْرُجْ فَوَاللَّهِ مَا كَلَّمْتُكَ أَبَدًا حَتَّى أَلْقَى اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَأَشْكُوكَ إِلَيْهِمَا.<sup>۲</sup>

روایت به دلیل مرسل بودن، از نظر سندی ضعیف است. اما از نظر محتوایی، این نقل با وجود نقل‌های دیگری در منابع اهل سنت تأیید می‌گردد. در این روایت ابوبکر به وساطت اسماء نزد حضرت زهرا(علیها السلام) آمد و از ایشان عذرخواهی کرد؛ اما حضرت عذر او را نپذیرفت و به او فرمود: به خدا سوگند هرگز با تو سخن نگفته‌ام تا اینکه با خدا و رسولش ملاقات کنم و به آنان شکایت کنم. در سایر منابع اهل سنت نیز از عذرخواهی ابوبکر از حضرت زهرا(علیها السلام) و عدم پذیرش حضرت و باقی ماندن کدورت بین آن‌ها که به دفن مخفیانه حضرت ختم گردید، اشاره شده است.<sup>۳</sup>

### ۴. طهارت حضرت فاطمه ÷ از نفاس

در روایتی، اسماء بیان می‌کند که حضرت فاطمه(علیها السلام) در ولادت حسنین از خون نفاس پاک بودند:

وَ عَنْهُ (وَ أَخْبَرَنِي الْقَاضِي أَبُو إِسْحَاقَ إِبرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ الْبَاقِرِيِّ)، قَالَ: حَدَّثَنِي حَدِيَجَةُ أُمُّ الْفَضْلِ ابْنَةُ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي الثَّلَاجِ، قَالَتْ: حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الصَّفْوَانِي)، قَالَ:

۱. الكافي (اسلاميه)، ج ۶، ص ۳۲-۳۳.

۲. بحار الأنوار، ج ۲۹، ص ۱۵۸؛ به نقل از مصباح الانوار، ص ۲۵۵.

۳. ر.ک: الامامة و السياسة، ج ۱، ص ۳۱؛ المصنف، ج ۳، ص ۵۲۱.

حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ (عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ يَحْيَى بْنِ عَيْسَى الْجَلُودِي)، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا، قَالَ: حَدَّثَنَا عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَائِشَةَ، قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ عَمْرٍو الْبَجَلِيُّ، عَنْ عُمَرَ بْنِ مُوسَى، عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ زَيْنَبِ بِنْتِ عَلِيٍّ، قَالَتْ: حَدَّثَنِي أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَيْسٍ قَالَتْ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَقَدْ كُنْتُ شَاهِدَةً فَاطِمَةَ قَدْ وَلَدَتْ بَعْضَ وُلْدِهَا فَلَمْ تَرَ لَهَا دَمًا، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ فَاطِمَةَ وَلَدَتْ فَلَمْ تَرَ لَهَا دَمًا! فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): يَا أَسْمَاءُ، إِنَّ فَاطِمَةَ خُلِقَتْ حُورِيَةً إِنْسِيَّةً.<sup>١</sup>

۲۳۹

این روایت با اندکی تفاوت در ابتدای سند نیز نقل شده است:

وَأَخْبَرَنِي الشَّرِيفُ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ الْمُحَمَّدِي، قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الصَّفْوَانِي، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ، ...<sup>٢</sup>

این روایت در کشف الغمه به نقل از کتاب مولد فاطمه س از ابن بابویه، نیز آمده است.<sup>٣</sup>

در کتاب صحیفة الرضا علیه السلام نیز روایتی از اسماء نقل شده است که نفاس و حیض را از حضرت

نفی می‌کند و الفاظ روایت نیز نزدیک به روایت مذکور است.<sup>٤</sup>

وجود روایت زیر با سندی دیگر که به صورت مشترک از امام علی علیه السلام، امام سجاده علیه السلام و اسماء

از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده، مضمون روایت اسماء را تأیید می‌نماید:

إِنَّ فَاطِمَةَ خُلِقَتْ حُورِيَةً فِي صُورَةِ إِنْسِيَّةٍ، وَإِنَّ بَنَاتِ الْأَنْبِيَاءِ لَا يَحِضْنَ.<sup>٥</sup>

## ۵. روایت منزلت

یکی از طرق نقل روایت مشهور منزلت در منابع شیعی، از زبان اسماء است:

وَبِالْإِسْنَادِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ الْحَسَنِ

۱. دلائل الامامة، ص ۱۴۶ و ۱۴۸.

۲. همان، ص ۱۵۰.

۳. کشف الغمه، ج ۱، ص ۴۶۳.

۴. صحیفة الامام الرضا علیه السلام، ص ۹۰.

۵. دلائل الامامة، ص ۱۴۵-۱۴۶.



عَنِ الْفَضْلِ بْنِ دُكَيْنٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ مُوسَى الْجُهَنِيِّ عَنْ  
فَاطِمَةَ بِنْتِ عَلِيٍّ عَنْ أَسْمَاءَ بِنْتِ عُمَيْسٍ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِعَلِيِّ عَ أَنْتَ  
مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي.<sup>۱</sup>

روایت منزلت با سندهای بسیار متعددی نقل شده است به طوری که ابن بطریق (ق ۶) ۱۵ روایت را در اثرش ذکر می‌کند که در همه آنها عبارت مشهور به حدیث منزلت در آن آمده و در انتها نیز تصریح بر صحت اخبار و طرق آنها می‌نماید.<sup>۲</sup>

شیخ صدوق نیز در کتاب معانی الاخبار بابتی تحت عنوان «معنی قول النبی ص لعلی ع أنت منی بمنزلة هارون من موسی إلا أنه لا نبی بعدی» می‌آورد و حدیث منزلت را با دو سند ذکر می‌کند و در انتها تذکر می‌دهد که شیعه و سنی بر صدور این روایت از نبی ﷺ اجماع دارند.<sup>۳</sup>

این روایت در منابع اهل سنت نیز به اسناد مختلف نقل شده است<sup>۴</sup> که یکی از آنها به اسماء می‌رسد:

حدثنا عبدالله حدثني أبي ثنا عبدالله بن نمير قال ثنا موسى الجهني قال  
حدثتني فاطمة بنت علي قالت حدثتني أسماء بنت عميس قالت  
سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول يا علي أنت مني بمنزلة  
هارون من موسى الا انه ليس بعدي نبي.<sup>۵</sup>

## ۶. جایگاه وزارت علی علیه السلام برای رسول خدا ﷺ

در تفسیر فرات کوفی در ذیل آیات ۲۷-۲۹ سوره طه روایتی از اسماء آمده است که حضرت رسول ﷺ را وزیر خود معرفی می‌کند:

فَرَاتٌ قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ الْهَمْدَانِيُّ مُعْتَمِدًا عَنْ أَسْمَاءَ  
بِنْتِ عُمَيْسٍ [رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا] قَالَتْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَاقِفًا بِمَكَّةَ

۱. بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۲۶۳.

۲. عمدة عيون صحاح الاخبار في مناقب امام الابرار، ص ۱۳۲-۱۳۷.

۳. معانی الاخبار، ص ۷۴.

۴. ر.ک: مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۱۷۰ و ج ۳، ص ۳۲، ۳۳۸.

۵. مسند احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۴۳۸.

مُسْتَقْبِلًا ثَبِيرَ [بِثَبِيرٍ] مُسْتَدْبِرًا حِرَاءَ وَ هُوَ يَقُولُ... وَ اجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ  
أَهْلِي عَلِيٍّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ [أَخِي]...<sup>١</sup>

این روایت در آثار متقدم دیگر نیز آمده است.<sup>٢</sup> در کنز الفوائد نیز با سند ذیل ذکر شده است:  
وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْعَتَكِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي سَعِيدُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ  
عَبْدِ الْحَضْرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبَّادُ بْنُ يَعْقُوبَ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبَّاسٍ عَنِ  
الْحَارِثِ بْنِ حَمِيرَةَ [حَصِيرَةَ] عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ جُنْدَبٍ قَالَ سَمِعْتُ رَجُلًا  
مِنْ حَتَمٍ يَقُولُ سَمِعْتُ أَسْمَاءَ بِنْتِ عُمَيْسٍ قَالَتْ رَأَيْتُ رَسُولَ  
اللَّهِ ﷺ...<sup>٣</sup>

۲۴۱

حوزه  
حجرت

واکاچوایی اسماء بنت عمیس در منابع فریقین

این روایت از طریق غیر اسماء نیز نقل شده است؛ مانند نقل ابن شهر آشوب با سند:  
وَ فِي مَثَبَةِ الْمُطَهَّرِينَ وَ فِي مَا نَزَلَ مِنَ الْقُرْآنِ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ تَصْنِيفِي  
أَبِي نُعَيْمٍ الْأَصْفَهَانِيِّ وَ حَصَائِصِ الْعَلَوِيَّةِ عَنِ النَّظْمِيِّ مَا رَوَى شُعْبَةُ بْنُ  
الْحَكَمِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ أَخَذَ النَّبِيُّ ص...<sup>٤</sup>

روایت دیگری از اسماء نزدیک به مضمون این روایت با سند ذیل نیز ذکر شده است:  
وَ بِالْإِسْنَادِ الْمُقَدَّمِ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ قَالَ حَدَّثَنِي  
أَبِي قَالَ وَ فِي مَا كَتَبَ إِلَيْنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَامِرٍ الْكُوفِيُّ يَذْكُرُ أَنَّ عُبَادَةَ بْنَ  
يَعْقُوبَ حَدَّثَهُمْ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبَّاسٍ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ حَصِيرَةَ عَنِ  
الْقَاسِمِ قَالَ سَمِعْتُ رَجُلًا مِنْ حَتَمٍ يَقُولُ سَمِعْتُ أَسْمَاءَ بِنْتِ عُمَيْسٍ  
تَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَقُولُ كَمَا قَالَ أَخِي مُوسَى  
اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي - عَلِيًّا أَخِي اشْدُدْ بِهِ أَرْزِي وَ اشْرِكْهُ فِي  
أَمْرِي كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا وَ نَذْكُرَكَ كَثِيرًا إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيرًا.<sup>٥</sup>

١. تفسیر فرات کوفی، ص ۲۵۶.

٢. ر.ک: شرح الاخبار فی فضائل ائمة الاطهار علیهم السلام، ج ۱، ص ۱۹۱.

٣. کنز الفوائد، ج ۱، ص ۲۹۶.

٤. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۳، ص ۵۷ و نیز ر.ک: کشف الغمه، ج ۱، ص ۱۶۶-۱۶۷.

٥. عمدة عیون صحاح الاخبار فی مناقب امام الابرار، ص ۲۷۲.

## ۷. روایت ردالشمس

روایتی از أسماء در غروب دوباره خورشید در یک روز نقل شده است:

فَرَوَى عَنْ أَسْمَاءَ بِنْتِ عُمَيْسٍ أَنَّهَا قَالَتْ بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ ص نَائِمٌ  
ذَاتَ يَوْمٍ وَرَأْسُهُ فِي حَجْرٍ عَلَى عَفَاتَتِهِ الْعَصْرُ حَتَّى غَابَتِ الشَّمْسُ فَقَالَ  
اللَّهُمَّ إِنَّ عَلِيًّا كَانَ فِي طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ فَارْزُقْ عَلَيْهِ الشَّمْسَ - قَالَتْ  
أَسْمَاءُ فَرَأَيْتُهَا وَاللَّهِ عَرَبْتُ ثُمَّ طَلَعَتْ بَعْدَ مَا عَرَبْتُ وَ لَمْ يَبْقَ جَبَلٌ وَلَا  
أَرْضٌ إِلَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ حَتَّى قَامَ عَلِيٌّ ع فَتَوَضَّأَ وَ صَلَّى ثُمَّ عَرَبْتُ.<sup>۱</sup>

شیخ صدوق دو طریق برای روایت مذکور در مشیخه ذکر می‌کند.<sup>۲</sup>

راوندی نیز علاوه بر نقل از ابن بابویه<sup>۳</sup> روایت ردالشمس را با متن و سند دیگری نقل می‌کند.<sup>۴</sup> البته لازم به ذکر است که برخی از نقل‌های شیعی وقوع ردالشمس در امت اسلام را در دوبار ذکر کرده‌اند که هر دو در حق امام علی علیه السلام اتفاق افتاده است، یکی در زمان حیات حضرت رسول صلی الله علیه و آله و دیگری بعد از وفات ایشان. شیخ صدوق هر دو را با چند سند نقل کرده است.<sup>۵</sup>

روایت ردالشمس در منابع سنی نیز با اسناد مختلف از جمله از اسماء نقل شده است.<sup>۶</sup> مواجیه‌ی علمای اهل سنت با این روایت متفاوت است، برخی علما صحت این روایت را پذیرفته‌اند. برای نمونه طحاوی در مشکل الحدیث این روایت را به دو طریق از اسماء نقل می‌کند. در مقابل، برخی از علمای اهل سنت این روایت را ساختگی و موضوع دانسته‌اند.<sup>۷</sup>

علامه محمد تقی مجلسی تصریح می‌کند که در ردالشمس اول، اسماء حاضر بوده و روایاتی که از او در این باب رسیده، روایتیست به اسانید قویه از طرق عامه و خاصه و قاضی عیاض از علمای

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۰۳.

۲. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۳۸-۴۳۹.

۳. قصص الانبیاء، ص ۲۹۰.

۴. الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۵۲-۵۳ و ج ۲، ص ۴۹۸.

۵. علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۵۱-۳۵۲؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۰۳-۲۰۴.

۶. ر.ک: تفسیر قرطبی، ج ۱۵، ص ۱۹۷-۱۹۹؛ تفسیر آلوسی، ج ۲۳، ص ۱۹۳-۱۹۴؛ معجم الکبیر، ج ۲۴، ص ۱۴۴، ح ۳۸۲.

۷. ر.ک: تذکرة الموضوعات (الفتنی)، ص ۹۶.

عامه حکم به صحت این حدیث کرده و از جمله معجزات آن حضرت شمرده است. هم چنین طحاوی از علمای عامه و از طرق خاصه نیز به اسانید معتبره منقول است.<sup>۱</sup> علامه محمد باقر مجلسی نیز بر صحت آن نزد طحاوی تصریح می‌کند: «قال و هذان الحدیثان ثابتان و رواتهما ثقات و حکى الطحاوی أن أحمد بن صالح كان يقول لا ينبغي لمن سبيله العلم التخلف عن حفظ حدیث الأسماء لأنه من علامات النبوة»<sup>۲</sup>.

محتوای این حدیث دلالت بر معجزه‌ای از حضرت رسول ﷺ دارد که علاوه بر اهل سنت در بین شیعه نیز تأیید شده است. علامه امینی نیز روایات آن را جمع کرده و بر اشکالات وارده پاسخ داده است.<sup>۳</sup> هم چنین محتوای این روایت توسط معصومان علیهم السلام نیز نقل شده است، مانند نقل از امام صادق علیه السلام با سند «مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ أَحْمَدَ، عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام»<sup>۴</sup>.

۲۴۳



## ۸. ساخت تابوت برای حضرت زهرا علیها السلام

توصیه‌ی اسماء برای ساخت تابوتی متفاوت برای حضرت زهرا علیها السلام در روایات این گونه آمده است:

وَعَنْ أَسْمَاءَ بِنْتِ عُمَيْسٍ أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَتْ لِأَسْمَاءَ إِنِّي قَدِ اسْتَقْبَحْتُ مَا يَصْنَعُ بِالنِّسَاءِ أَنَّهُ يَطْرَحُ عَلَى الْمَرْأَةِ الثُّوبَ فَيَصِفُهَا لِمَنْ رَأَى فَقَالَتْ أَسْمَاءُ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ أَنَا أُرِيكِ شَيْئاً رَأَيْتُهُ بِأَرْضِ الْحَبَشَةِ قَالَ فَدَعْتُ بِجَرِيدَةٍ رَطْبَةٍ فَحَنَنْتُهَا ثُمَّ طَرَحْتُ عَلَيْهَا ثَوْباً فَقَالَتْ فَاطِمَةُ ع مَا أَحْسَنَ هَذَا وَ أَجْمَلَهُ لَا تُعْرِفُ بِهِ الْمَرْأَةَ مِنَ الرَّجُلِ... °

روایتی از ابن عباس نیز نقل شده که از اظهار نگرانی حضرت زهرا علیها السلام به اسماء در مورد تابوت‌های آن دوران حکایت دارد؛ اسماء نیز پیشنهاد ساخت تابوت‌های حبشی را می‌دهد که با رضایت

۱. لوامع صاحبقرانی، ج ۳، ص ۵۹.

۲. بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۳۵۸-۳۵۹.

۳. الغدير، ج ۳، ص ۱۸۳-۲۰۴.

۴. قرب الاسناد، ص ۱۷۵.

۵. كشف الغمه، ج ۱، ص ۵۰۳-۵۰۴؛ و نیز ر.ک: شرح الاخبار فی فضائل ائمة الاطهار، ج ۳، ص ۲۸.

حضرت زهرا علیها السلام مواجهه می‌گردد.<sup>۱</sup> رضایت حضرت زهرا علیها السلام از تابوت‌های متفاوت، در نقل امام صادق علیه السلام وجود دارد.<sup>۲</sup> البته از نظر سندی همه این روایات مرسل هستند.

### ۹. زفاف حضرت زهرا علیها السلام

در روایتی آمده است که اَسْمَاءُ به وصیت حضرت خدیجه علیها السلام در شب زفاف حضرت زهرا علیها السلام و

حضرت علی علیه السلام حاضر بوده است:

قَالَ عَلِيُّ بْنُ عِيسَى عَمَّا لِلَّهِ عَنْهُ وَ حَدَّثَنِي السَّيِّدُ جَلَّالُ الدِّينِ بُنُّ عَبْدِ  
 الْحَمِيدِ بْنِ فَخَّارِ الْمُوسَوِيِّ بِمَا هَذَا مَعْنَاهُ وَ رُبَّمَا اخْتَلَفَتْ الْأَلْفَاظُ قَالَ  
 قَالَتْ أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَيْسٍ هَذِهِ حَضْرَتُ وَفَاءَ خَدِيجَةَ ع فَبَكَتُ فَقُلْتُ أ  
 تَبْكِينَ وَ أَنْتِ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ أَنْتِ زَوْجَةُ النَّبِيِّ ع وَ مُبَشَّرَةٌ عَلَي  
 لِسَانِهِ بِالْجَنَّةِ فَقَالَتْ مَا لِهَذَا بَكَيتُ وَ لَكِنَّ الْمَرْأَةَ لَيْلَةَ زَفَافِهَا لَا بُدَّ لَهَا مِنْ  
 امْرَأَةٍ تَقْضِي إِلَيْهَا بِسْرَهَا وَ تَسْتَعِينُ بِهَا عَلَي حَوَائِجِهَا وَ فَاطِمَةُ حَدِيثُهُ عَهْدِ  
 بِصَبِيٍّ وَ أَخَافُ أَنْ لَا يَكُونَ لَهَا مَنْ يَتَوَلَّى أُمُورَهَا حِينَئِذٍ فَقُلْتُ يَا سَيِّدَتِي  
 لَكَ عَلَي عَهْدِ اللَّهِ أَنِّي إِنْ بَقِيتُ إِلَى ذَلِكَ الْوَقْتِ أَنْ أَقُومَ مَقَامَكَ فِي هَذَا  
 الْأَمْرِ فَلَمَّا كَانَتْ تِلْكَ اللَّيْلَةُ وَ جَاءَ النَّبِيُّ ص أَمَرَ النِّسَاءَ فَخَرَجْنَ وَ بَقِيتُ  
 فَلَمَّا أَرَادَ الْخُرُوجَ رَأَى سَوَادِي فَقَالَ مَنْ أَنْتِ فَقُلْتُ [أَنَا] أَسْمَاءُ بِنْتُ  
 عُمَيْسٍ فَقَالَ أ لَمْ أَمُرْكَ أَنْ تَخْرُجِي فَقُلْتُ بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ فِدَاكَ أَبِي وَ  
 أُمِّي وَ مَا قَصَدْتُ خِلَافَكَ وَ لَكِنِّي أُعْطِيتُ خَدِيجَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا عَهْدًا  
 وَ حَدَّثْتُهُ فَبَكَتُ وَ قَالَ تَاللَّهِ لِهَذَا وَقَفْتِ فَقُلْتُ نَعَمْ وَ اللَّهُ فِدَا عَالِي.<sup>۳</sup>

این روایت در منابع اهل سنت نیز از اسماء نقل شده است.<sup>۴</sup>

۱. کشف الغمه، ج ۱، ص ۵۰۳.

۲. هداية الامه الى احكام الائمه علیهم السلام، ج ۱، ص ۳۱۸، باب «أول من جعل له التعش فاطمة ع».

۳. کشف الغمه، ج ۱، ص ۳۶۶-۳۶۷.

۴. معجم الكبير، ج ۲۴، ص ۱۳۶-۱۳۷.



روایت از نظر محتوایی با تاریخ در تعارض است، همان‌گونه که صاحب کشف الغمه بعد از نقل این روایت به این نکته اشاره می‌کند که اَسْمَاء بنت عمیس در زمان زفاف حضرت همراه مهاجرین در حبشه بود و تا فتح خیبر به مدینه مراجعت نداشته است، از این رو این احتمال وجود دارد که ناقل این روایت سلمی بنت عمیس -خواهر اَسْمَاء و و همسر حمزه عموی پیامبر ص- بوده باشد که ناقلان حدیث به دلیل کثرت نام اَسْمَاء در روایات، این روایت را نیز به اشتباه به وی نسبت داده‌اند.<sup>۱</sup>

### ۱۰. شهادت جعفر طیار و توصیه‌های پیامبر به اَسْمَاء در عزاداری

واقدی در کتاب المغازی با سند آورده:

حَدَّثَنِي مَالِكُ بْنُ أَبِي الرَّجَالِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ بْنِ حَزْمٍ، عَنْ أُمِّ عَيْسَى بْنِ الْحَزَّارِ، عَنْ أُمِّ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ جَعْفَرٍ، عَنْ جَدَّتِهَا أَسْمَاءَ بِنْتِ عَمِيْسٍ، قَالَتْ: أَصْبَحْتُ فِي الْيَوْمِ الَّذِي أُصِيبَ فِيهِ جَعْفَرٌ وَأَصْحَابُهُ فَأَتَانِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَ لَقَدْ هَيَّأْتُ أَرْبَعِينَ مِثْلًا مِنْ أَدَمٍ، وَ عَجَنْتُ عَجِينِي، وَ أَخَذْتُ بَنِي فِغْسَلَتٍ وَ جَوْهَهُمْ وَ دَهْنَتَهُمْ؟ ...

این روایت از زبان اَسْمَاء نقل شده است و در آن رسول خدا ص به منزل اَسْمَاء می‌آید و خبر شهادت جعفر را بعد از جنگ موته به وی می‌دهد و از او می‌خواهد که در مصیبت جعفر زبان به ناسزا نگشاید و از زدن خود نیز امتناع ورزد.<sup>۲</sup>

روایت دیگری نیز از زبان فرزند جعفر در وقایع این روز نقل شده است که تأییدکننده حضور حضرت رسول ﷺ در خانه اَسْمَاء و اطلاع دادن بر شهادت جعفر دارد.<sup>۳</sup>

این نقل اَسْمَاء در منابع روایی شیعه و اهل سنت به نقل از واقدی روایت شده است.<sup>۴</sup>

### هـ. راویان روایات اَسْمَاء بنت عمیس

یکی از توثیقات عمومی کثرت نقل بزرگان از یک راوی عنوان شده است. کثرت نقل اجلاء و بزرگان حدیث از یک راوی می‌تواند نشانه وثاقت راوی باشد. به عبارتی این راوی را از توثیق خاص

۱. کشف الغمه، ج ۱، ص ۳۶۶-۳۶۷.

۲. المغازی، ج ۲، ص ۷۶۶-۷۶۷.

۳. المغازی، ج ۲، ص ۷۶۶-۷۶۷.

۴. معجم الکبیر، ج ۲۴، ص ۱۴۳؛ بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۶۳.

بی‌نیاز کند. نقل از یک راوی، قرینه‌ای از اعتماد بر او بوده است<sup>۱</sup>. در مورد اسماء بنت عمیس توثیق خاص در کتب رجالی در حدی نبوده که از آن توثیق اسماء و روایاتش برداشت شود. از این رو نقل بزرگان حدیث از اسماء می‌تواند مفید باشد و جایگاه رجالی او را روشن‌تر کند.

اسامی برخی از صحابه و تابعینی که روایاتی از اسماء نقل کرده‌اند به شرح ذیل است: عمر بن الخطاب<sup>۲</sup>، ابوموسی الأشعری<sup>۳</sup>، عبدالله بن جعفر بن ابی‌طالب<sup>۴</sup>، محمد بن جعفر، ابن عباس، ابی‌یزید المدینی، قاسم بن محمد بن ابی‌بکر، عبدالله بن شداد بن الهاد، عروة بن الزبیر، ابوبکر بن عبد الرحمن بن الحارث بن هشام، سعید بن المسیب، مجاهد بن جبر، عطاء بن ابی‌ریاح، عبدالله بن بابیه، أم جعفر بنت محمد بن جعفر بن ابی‌طالب، حُرَّة، عامر الشعبي، حبيب بن سالم، أبوالعیوف صعب أو صعيب العنزی، مولى لمعمر التیمی، عتبه بن عبدالله التیمی، داود بن ابی‌عاصم الثقفی زیدالختعمی، فاطمة بنت علی، عبید بن رِفاعَة، فاطمة بنت الحسین<sup>۵</sup>، شداد بن الهاد، عبید بن رِفاعَة<sup>۶</sup> علی بن حسین<sup>۷</sup>، أم جعفر، محمد بن جعفر<sup>۸</sup>

همانطور که ملاحظه شد کسانی همچون علی بن حسین<sup>۷</sup>، محمد بن جعفر، عمر بن الخطاب، ابوموسی اشعری، عبدالله بن جعفر، ابن عباس (شیخ المفسرین) و... که دارای منصب و مقام اجتماعی بودند از اسماء نقل روایت داشته‌اند. اعتماد به اسماء در شیعه و اهل سنت توسط روایات مذکور قرینه‌ای بر وثاقت ایشان است.

همان‌گونه که گفته شده است، روایت اجلاء از راوی دلیلی بر وثاقت راوی است. این اصطلاح به معنای آنست که اگر چند تن از راویان از شخصی روایت کنند شهادت فعلی بر حسن ظاهری راوی، نشان دهنده مدح راوی و دلیلی بر وثاقت راوی است به خصوص اگر در بین آنان کسانی باشند که به

۱. آشنایی با اصول علم رجال، ص ۱۴۴.

۲. استیعاب، ج ۴، ص ۱۷۸۵؛ معجم الكبير، ج ۲۴، ص ۱۳۱ و ۱۵۳.

۳. سنن الكبرى، ج ۵، ص ۱۰۳ و ۱۰۴؛ معرفة الصحابه، ج ۵، ص ۱۸۵؛ استیعاب، ج ۴، ص ۱۷۸۵.

۴. مسند أحمد بن حنبل، ج ۴، ص ۱۶ و ۱۵؛ استیعاب، ج ۴، ص ۱۷۸۵؛ معجم الكبير، ج ۲۴، ص ۱۳۵؛ معرفة الصحابة، ج ۵، ص ۱۸۵.

۵. معجم الكبير، ج ۲۴، ص ۱۳۲-۱۵۶ و ۳۸۵-۳۹۰.

۶. معرفة الصحابة، ج ۵، ص ۱۸۵.

۷. وسائل الشيعة، ج ۲۱، ص ۴۰۸.

۸. بحار الأنوار، ج ۲۱، ص ۶۲.

راویان ضعیف و مجهول طعن زده‌اند.<sup>۱</sup>

### نتیجه‌گیری

اسماء بنت عمیس از جمله زنان و راویان با فضیلت و دارای ارزش‌های انسانی والاست که در دامن خانواده پرورش یافته و همراه همسر خویش، از فعالان در عرصه‌های سیاسی اجتماعی جامعه از جمله هجرت به حبشه و مدینه محسوب می‌شود. وی مادری اخلاق‌مدار بود که بر شخصیت فرزند خویش تأثیر گذاشت و پسر خویش را فردی نجیب پروراند که در نهایت به فیض شهادت نائل شد. منقولات موجود در منابع رجالی فریقین نیز از اعتماد صاحبان رجال بر شخصیت اسماء بنت عمیس خبر می‌دهد.

۲۴۷



واکچوالی اسماء بنت عمیس در منابع فریقین

اسماء بنت عمیس دارای وثاقت و اعتبار ویژه در نقل روایات و گزارش اتفاقات آن دوره است. او به عنوان راوی در منابع شیعه دارای ۲۳ روایت و در منابع اهل سنت دارای ۳۳ روایت است. موضوعات روایات وی در منابع فریقین بیشتر فقهی، شأن فرد خاص و اعتقادی بود، همچنین وی دارای روایات مشترک در منابع شیعه و اهل سنت است که شامل حدیث منزلت، شهادت جعفر طیار، زفاف حضرت فاطمه علیها السلام، رد شمس است. اگرچه بسیاری از این روایات به صورت مرسل نقل شده‌اند؛ اما اعتبار روایات رسیده از اسماء، به ویژه روایاتی که به صورت مشترک در فریقین نقل شده‌اند، با قرائن سندی و محتوایی موجود در دیگر منابع تأیید می‌گردند. البته تعداد اندکی از این روایات در منابع متقدم شیعه با سند ذکر شده‌اند که برخی از آن‌ها از معصوم علیها السلام نقل شده است، مانند حدیث منزلت و غسل حضرت زهرا (س). البته برخی روایات رسیده از اسماء با تاریخ‌ناسازگار است مانند روایت حضور او در شب زفاف حضرت زهرا (س)، که در این موارد احتمال تصحیف در عنوان سلمی به اسماء وجود دارد.

به دلیل ارتباط نزدیک اسماء با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و خاندان پاکش و ارتباط ویژه با حضرت فاطمه علیها السلام روایات اسماء بنت عمیس بیشتر در ارتباط با خاندان نبوت است. روایاتی که با توجه به سایر نقل‌ها و منابع، و با توجه به شخصیت و زیست‌اسماء می‌توان معتبر دانست.

۱. اصول الحدیث وأحكامه في علم الدرایة، ج ۱، ص ۱۷۹.

## فهرست منابع

١. قرآن كريم.
٢. اختيار معرفة الرجال، كشي، محمد بن عمر، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، ١٤٠٤ق.
٣. إستيعاب في معرفة الأصحاب، ابن عبد البر، يوسف بن عبدالله، بيروت: دارالجيل، ١٤١٢ق.
٤. أسد الغابة في معرفة الصحابة، ابن اثير، علي بن محمد، بيروت: دارالفكر، ١٤٠٩ق.
٥. إصابة في تمييز الصحابة، ابن حجر عسقلاني، احمد بن علي، بيروت: دارالكتب العلمية، منشورات محمد علي بيضون، ١٤١٥ق.
٦. اصول الحديث وأحكامه في علم الدراية، سبحاني، جعفر، بي جا: دار إحياء التراث العربي، بي تا.
٧. اعلام النساء المؤمنات، حسون، محمد، تهران: انتشارات اسوه، ١٤٢١ق.
٨. إعلام الوري بأعلام الهدى، طبرسي، فضل بن حسن، تهران: اسلاميه، ١٣٩٠ق.
٩. الامالي (للطوسي)، طوسي، محمد بن حسن، قم: دارالثقافه، ١٤١٤ق.
١٠. الامامة و السياسة، دينوري، ابن قتيبه، تحقيق الشيرى، قم: شريف الرضى، ١٤١٣ق.
١١. بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار الأئمة الأطهار، مجلسى، محمد باقر، بيروت: دارإحياء التراث العربى، ١٤٠٣ق.
١٢. تذكرة الموضوعات، الفتنى، محمد بن طاهر بن على الهندى، بي جا، بي تا.
١٣. تفسير فرات الكوفى، فرات بن ابراهيم، تهران: مؤسسة الطبع و النشر فى وزارة الإرشاد الإسلامى، ١٤١٠ق.
١٤. تفصيل الوسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، حر عاملى، محمد بن حسن، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، ١٤٠٩ق.
١٥. الجامع لاحكام القرآن (تفسير قرطبى)، قرطبى، محمد بن احمد، بيروت: بي نا، ١٤٠٥ق.
١٦. الخرائج و الجرائح، قطب الدين راوندى، سعيد بن هبة الله، قم: مؤسسه امام مهدي (عج)، ١٤٠٩ق.
١٧. خصال، محمد بن على، ابن بابويه، قم: جامعه مدرسين، ١٣٦٢ش.
١٨. دعائم الاسلام، ابن حيون، نعمان بن محمد مغربى، تحقيق أصف فيضى، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام، ١٣٨٥ق.
١٩. دلائل الامامة، طبرى أملى صغير، محمد بن جرير بن رستم، قم: البعث، ١٤١٣ق.

٢٤٨

حجرت  
كبرى

فهيمة طاهر كوهى و محمد شريفى و معصومه طاهر يان قادى

۲۰. رجال ابن الغضائری، ابن الغضائری، احمد بن حسين، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۴ق.
۲۱. رجال الطوسی، طوسی، محمد بن حسن، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۳۷۳ش.
۲۲. رجال نجاشی، نجاشی، احمد بن علی، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ق.
۲۳. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و سبع المثانی (تفسیر آلوسی)، آلوسی، محمود بن عبدالله، بی‌جا، بی‌تا.
۲۴. سنن الكبرى، نسائی، احمد بن علی، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۱ق.
۲۵. شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار، ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ق.
۲۶. شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، مصحح محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفی، ۱۴۰۴ق.
۲۷. صحیح مسلم، مسلم بن حجاج، قاهره: دارالحدیث، ۱۴۱۲ق.
۲۸. صحيفة الإمام الرضا عليه السلام، منسوب به امام رضا عليه السلام، مشهد: كنگره جهانی امام رضا عليه السلام، ۱۴۰۶ق.
۲۹. صفة الصفوة، ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۳ق.
۳۰. طبقات الكبرى، ابن سعد، محمد، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۰ق.
۳۱. عمدة عیون صحاح الاخبار فی مناقب امام الابرار، ابن بطریق، یحیی بن حسن، قم: النشر الاسلامی، ۱۴۰۷ق.
۳۲. عیون أخبار الرضا عليه السلام، ابن بابویه، محمد بن علی، تهران: نشرجهان، ۱۳۷۸ق.
۳۳. الغدير، علامه امینی، عبدالحسین احمد، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۳۹۷ق.
۳۴. الفهرست، شیخ طوسی، محمد بن حسن، نجف: المكتبة المرتضوية، بی‌تا.
۳۵. قرب الاسناد، حمیری، عبدالله بن جعفر، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام، ۱۴۱۳ق.
۳۶. قصص الانبياء، قطب‌الدين راوندى، سعيد بن هبة الله، تصحيح غلامرضا عرفانيان يزدى، مشهد: مركز پژوهش‌های اسلامی، ۱۴۰۹ق.
۳۷. الكافي، كليني، محمد بن يعقوب، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۳۸. كتاب من لا يحضره الفقيه، ابن بابويه، محمد بن علی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: ۱۴۱۳ق.

٣٩. كنز الفوائد، كراچكى، محمد بن على، تصحيح عبدالله نعمة، قم: دارالذخائر، ١٤١٠ق.
٤٠. كشف الغمة فى معرفة الأئمة، اربلى، على بن عيسى، تبريز: بنى هاشمى، ١٣٨١ق.
٤١. لوامع صاحبقرانى مشهور به شرح فقيه، مجلسى، محمد تقى، قم: مؤسسه اسماعيليان، ١٤١٤ق.
٤٢. مبانى حجيت آراى رجالى، صرامى، سيف الله، قم: مؤسسه علمى فرهنگى دارالحديث، ١٣٩١ش.
٤٣. مسند الإمام أحمد بن حنبل، ابن حنبل، احمد بن محمد، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤١٦ق.
٤٤. مشكاة الأنوار فى غرر الأخبار، طبرسى، على بن حسن، نجف: المكتبة الحيدرية، ١٣٨٥ق.
٤٥. المصنف، الصنعانى، عبدالرزاق، تحقيق حبيب الرحمن الاعظمى، بى جا: منشورات المجلس الاعلمى، بى تا.
٤٦. معانى الاخبار، ابن بابويه، محمد بن على، تحقيق على اكبر غفارى، قم: انتشارات اسلامى، ١٤٠٣ق.
٤٧. معجم الكبير، طبرانى، أبوالقاسم، قاهره: مكتبة ابن تيمية، ١٤١٥ق.
٤٨. معرفة الصحابة، ابونعيم، احمد بن عبدالله، بيروت: دارالكتب العلمية، منشورات محمد على بيضون، ١٤٢٢ق.
٤٩. المغازى، واقدى، محمد بن عمر، تحقيق مارسدن جونز، بيروت: مؤسسه الاعلمى، ١٤٠٩ق.
٥٠. مناقب آل أبى طالب عليه السلام، ابن شهر آشوب مازندرانى، محمد بن على، قم: علامه، ١٣٧٩ق.
٥١. موطأ الإمام مالك، مالك بن انس، ابوظبى: مؤسسه زايد بن سلطان آل نهيان للأعمال الخيرية و الإنسانية، ١٤٢٥ق.
٥٢. هداية الامة الى احكام الائمة عليهم السلام، حر عاملى، محمد بن حسن، مشهد: آستان قدس رضوى، ١٤١٤ق.